

مبانی مشروعیت خلافت فاطمیان مصر

دکتر صادق آئینه‌وند*

فاطمه جان احمدی**

چکیده

یکی از مباحث اساسی حکومت فاطمیان مصر موضوع رهبری مذهبی آنان و مبانی مشروعیت خلافت ایشان است و این که امام فاطمی چگونه توانست مردم را در جنبش کارizmایی اسماعیلیه بسیج نماید و در تقابل قدرت با عباسیان بغداد و امویان اندلس پیروز گردد. مناسب‌ترین رهیافت ملاک بررسی در این تحقیق، رهبری کارizmایی ماکس وبر است. مطابق با این رهیافت قدرت امام فاطمی ناشی از وجاهت کارizmایی، نفوذ در قلب‌ها و تسلط بر اذهان عمومی مردم بوده است. ادعای ائمه فاطمی مبنی بر انتصاب به پیامبر اکرم (ص)، موضوع امامت و ولایت به همراه شعارهای کارizmایی آنان و تجسم عینی افعال اهل بیت در اعمال ائمه فاطمی و آموزه‌های شیعی آنان توانست مردم را به عرصه‌ای عاطفی سوق دهد. در این میان امام - خلیفه فاطمی با گرفتن نام امیرالمؤمنین و امام المسلمین توانست توفیق انگیزش عاطفی عامه را به دست آورد. در این تلاش بی‌شائبه بزرگ مردان علم و اندیشه و متفکران طراز اول فاطمی در دامن زدن به باورهای کارizmایی نوکیشان اسماعیلی، بسیج عمومی مردم و تقویت بنیادهای فکری مصریان نقش مهمی داشتند. طرح ادعاهای کارizmایی امامان، فاطمی در خلال پیام‌ها، خطبه‌ها، عملکرد ایشان، به همراه انتقال صفات خارق‌العاده از سوی پیروان به ایشان به تسریع روند جانشین‌سازی کارizmایی و مشروعیت آنان

* عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس

انجامید. بسیاری از مستجبان ضمن ایمان به ادعاهای امامان اطاعت از آنان را بر خود فرض دانسته، درصد غلو درجات امامان فاطمی برآمدند و فرقه‌ها و نحله‌های غالی را به وجود آوردند.

واژه‌های کلیدی: مشروعیت، خلافت، فاطمیان، مصر، رهبری کاریزمایی.

مقدمه

نهضت شیعه اسماعیلیه در آخرین دهه‌ی قرن سوم هجری با تشکیل حکومت فاطمیان در مغرب به بار نشست و در اندک زمانی توانست با تبلیغاتی وسیع قبایل ناراضی کنامه و صنهاجه را جلب نماید، حکمرانان اغلبی افریقیه و خوارج رستمی تاهرت را به زیر چمبره خود کشاند و ادریسیان فاس را هم خراج‌گذار خلافت نخواستند نماید. سیسیل (صقلیه) را تصرف و سرانجام سرزمین تاریخی مصر را فتح کند (۳۵۸ هـ) و مدت دوستانه و نه سال بر این سرزمین حکم راند. این درحالی بود که خلافت دیرپای عباسیان بغداد کماکان به عنوان خلافت مقبول، سیادت معنوی خود را بر جهان اسلام حفظ کرده بود. بسیاری از حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل خطبه به نام خلیفه بغداد می‌خواندند و مشروعیت خود را از او می‌گرفتند. اما تبلیغات بی‌وقفه داعیان فاطمی در یک رقابت و مخالفت جدی با عباسیان موثر افتاد و خلفای فاطمی موفق شدند سایه‌های قدرت و نفوذ خویش را بر یمن، شام، فلسطین، عراق، بخش‌های مهمی از ایران تا هند بگسترانند و در یک تلاش نهایی بر سرزمین‌های مقدس حجاز (مکه و مدینه) دست یابند. لقب معنوی و دنیوی امیرالمؤمنین و امام المسلمین را یک‌جا کسب نمایند. بدین وسیله موجبات ضعف بیش از پیش خلفای عباسی بغداد را فراهم آوردند تا جایی که حتی تحت نفوذ داعیان اسماعیلی چون المؤید فی الدین شیرازی، در سال ۴۵۱ هـ سردار عباسی ارسلان بساسیری تحریک شد و خلیفه عباسی از بغداد اخراج کرد و مدت ۱۳ ماه به نام خلیفه فاطمی المستنصر بالله خطبه خوانده شد. از این رو وجود و خلیفه مشروع در شرق و غرب عالم اسلامی و از یک سو توفیقات مکرر فاطمیان در رقابت با عباسیان و دیرپایی آنان به همراه ضعف روزافزون خلافت بغداد از دیگر سو این سؤال اساسی را پیش می‌آورد که: مبانی مشروعیت خلفای فاطمی چه بود؟

به منظور سهولت در امر تحقیق و یافتن پاسخ اصلی این سؤال فرضیه غالب این است که: مشروعیت مذهبی فاطمیان ناشی از وجاهت کاریزمایی و شعارهای آرمانی آنان بود.

برای یافتن پاسخ سؤال سابق الذکر و آزمون فرضیه مطرح شده ابتدا می‌بایست مبانی نظری رهبری کاریزمایی را تبیین نمود، سپس با تطبیق جوانب آن عوامل موفقیت فاطمیان را بررسی کرد.

مبانی نظری

کارآمدترین مفهوم و رهیافتی که می‌توان به مدد آن موضوع مشروعیت خلفای فاطمی را بررسی نمود اصطلاح رهبری کاریزماتیک یا فرهمند است. دلیل این کارآمدی را باید در ویژگی‌هایی جستجو نمود که ماکس وبر جامعه‌شناس بزرگ آلمانی و بنیانگذار تئوریک این مفهوم ارائه داده است. وبر مفهوم اقتدار کاریزماتیک را در مقایسه با دو اقتدار مشروع دیگر یعنی اقتدار سنتی و اقتدار عقلانی - قانونی یا بوروکراتیک به کار می‌برد. منظور از طرح مشروعیت و سلطه کاریزمایی نوعی رابطه اقتداری است که به وسیله آن رهبر دارای ویژگی‌های خارق‌العاده و استثنایی می‌شود و پیروان سیادت کاریزمایی او را می‌پذیرند و میان آنان و رهبر کاریزمایی رابطه‌ای عاطفی برقرار می‌شود که این خود کششی عاطفی و گونه‌ای ارادت است.^۱

شخصیت کاریزما شخصیتی منحصر به فرد، خارق‌العاده، واجد شرایط رسالت است. از این رو با برانگیختن عواطف پیروان اساس ارادت آنان را فراهم آورده، کنش‌های عاطفی آنان را دامن می‌زند و خارج بودن کاریزما از قلمرو روزمره و حیطه دنیوی^۲ می‌تواند آن را به عنوان نیرویی انقلابی مطرح نموده ساختارهای سیاسی پیشین جامعه را بر هم زند و به عنوان رهبری خارق‌العاده به عقاید توده خاموش محتوا و جهت بخشد.^۳

از آن جا که به نظر جامعه‌شناسی سیاسی عمر جنبش کاریزمایی به موجب سرشت آن طولانی نیست، می‌تواند با نهادینه (روتینه) شدن کاریزما به نوعی سازش با اندیشه‌ها و تفاسیر جدید از مقتضیات زندگی نائل آید.^۴ در چنین فرایندی است که مسأله جانشینی به شکلی حاد نمایان می‌گردد و از آن طریق کاریزما به سنتی جدید مبدل می‌شود. وبر برای حل این مسأله راه‌حل‌های مختلفی ارائه می‌دهد. از جمله (۱) ظهور رهبر کاریزمایی جدید (۲) ادامه الهامات رهبر اصلی به نحوی از انحاء (۳) تعیین جانشین به وسیله رهبر اصلی (۴) تعیین جانشین به وسیله جمعی از سرآمدان جنبش (۵) واگذاری رهبری به فرزند رهبر (۶) جذب جنبش کاریزمایی در نهاد سازمان.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای سیاسی در زندگی، ص. ۶۲.

۲. ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۰۰.

۱. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ص ۱۴۸.

۲. وبر، همان، ص ۴۰۲.

۳. بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۶۳.

بدین ترتیب پاسخ‌گوی مسأله مشروعیت فاطمیان تئوری رهبری کاریزمایی در آثار وبر است، زیرا این تئوری بیشترین تناسب را با ویژگی‌های مهم جنبش کاریزمایی اسماعیلیه و رهبری فاطمیان و پیوند آن‌ها با سمبل‌ها و اسطوره‌های فرهنگ شیعه اسماعیلیه و امامیه دارد، به گونه‌ای که شاید بدون وجود این پیوند اساسی امکان فراگیر شدن رهبری کاریزمایی جنبش اسماعیلی نه تنها در مصر بلکه در اقصی نقاط جهان اسلام وجود نداشت.

مبانی مشروعیت خلافت فاطمیان مصر

مبانی اعتقادی اسماعیلیان^۱ در طول تاریخ حیات سیاسی و دینی آنان همواره متأثر از عوامل بیرونی و درونی متعددی بوده است که موجبات تغییرات تدریجی را در عقاید و فرهنگ فلسفی و عقیدتی ایشان پدید آورده است. گاه دخل و تصرف داعیان و غالیان اسماعیلی نیز مزید بر علت شده، با نفوذ عقاید مبالغه‌آمیز جملگی بستر تحول اندیشه سیاسی اسماعیلیه را فراهم آورده‌اند. این تطور عقیدتی اسماعیلیان چنان است که گاه از یک دوره تا دوره دیگر و از یک سرزمین تا سرزمین دیگر تفاوت‌های اساسی پذیرفته است.^۲ علی‌رغم این تغییرات و تفاوت‌های اساسی دوره خلافت سه امام خلیفه فاطمی مصر المعزو العزیز و الحاکم از ثبات آراء و عقاید بیشتری برخوردار است و می‌توان با کمی امعان نظر آراء آنان را دسته‌بندی کرد و به اصول نهایی و مشترکی دست یافت. در این دوره امام خلیفه فاطمی به عنوان امام محق و مرجع و پیشوای مذهبی راهبری دنیوی و تفوق روحانی دینی را برعهده داشت. وی به اراده الهی و فرمان ازلی به امامت منصوب و بر همه دستگاه اداری، دینی و نظامی فرمانروایی می‌کرد. هرچند قیومت او بر مردم هرگز منوط به فرمانروایی عملی و یا خلافت دنیوی او نبود. زیرا امام فاطمی مشروع و محق الهی است. این مشروعیت و استحقاق امامت و خلافت فاطمی با مجموعه بی‌شماری از احادیث که عمدتاً به امام صادق (ع) می‌رسید، تأیید می‌شد.^۳ نیاز پوخته جامعه اسماعیلی به وجود امامی^۴ مؤید من عندالله و متهدی به هدایت الهی، معصوم از خطا، معلم صادق، راهنمای موثق برای هدایت عامه در همه

۴. اعم از عبیدی، فاطمی، نزاری، مستعلوی، صلیحی، بهره‌ای، خوجه‌ای.

۱. محمد کامل حسین، طائفة الاسماعیلیه، ص ۱۵۰.

۲. ببینید: القاضی النعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، بیروت، منشورات دارالقیلین، ۱۹۹۴ و القاضی النعمان، کتاب الهمه فی آداب اتباع الائمة، تحقیق محمد شریف علی الیمینی الحرازی بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۶. و القاضی النعمان، المناقب و المتالب. تحقیق ماجد بن احمد العطیة، بیروت منشورات الاعلمی، ۲۰۰۲ و سجستانی، الافتخار و ادریس عماد الدین القرشی، عیون الاخبار و فنون الآثار، تحقیق و تقدیم مصطفی غالب، بیروت دارالاندلس، بی تا.

۳. کتاب الهمه فی آداب اتباع الائمة، ص ۲۹.

امور دینی و دنیوی تأکیدی بر مشروعیت و مقبولیت همواره امام فاطمی بود. گزارش‌های موجود از دوره نخست خلافت فاطمیان که یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی مصر اسلامی به شمار می‌آید، حکایت از تلاش متفکران اسماعیلی در جهت اثبات حقانیت و مشروعیت ائمه فاطمی و تثبیت موقعیت کاریزمایی آنان داشت. اما در عصر مستنصر که پایان خلافت او محدوده زمانی این پژوهش را در بر می‌گیرد، با آغاز نفوذ و قدرت‌یابی وزراء، از تفوق خلیفه تا حد زیادی کاسته شد و با تقسیم خلافت میان فرزندان او جریان جدیدی در تاریخ اسماعیلیه پدید آمد.

یکی دیگر از مشخصه‌های ممتاز مشروعیت فاطمیان افزون بر خلافت امامان فاطمی و محق که از اهل بیت پیامبر (ص) بودند، ساختار سیاسی حکومت آنان و ایجاد نظم سیاسی و متمرکزی بود که امامت منصوص محور اصلی آن به‌شمار می‌آمد. زیرا رهبری امام بنیادی‌ترین نهاد سیاسی این عصر محسوب می‌شد. مرجعیت امام مقامی بود که قدرت تام و تمام در آن‌جا انباشته شده بود و از آن‌جا قدرت به جریان می‌افتاد. به عبارتی رهبری امام منصوص قدرت تصمیم‌گیری نهایی داشت و می‌توانست هم دستگاه اجرایی و قضایی و هم اعضای یک جامعه را متحد و مکلف نماید. او قدرت توزیع مسئولیت و قدرت ایفای این مسئولیت را اعطا می‌کرد و می‌توانست تسهیلات لازم را برای سایر نهادها فراهم کند. او بر منابع مالی و اموال منقول نظارت داشت. از آن‌رو که امام حق مرجعیت و اعطای مسئولیت و ایجاد تسهیلات و حق نظارت بر سایر سطوح تصمیم‌گیری را دارا بود از بالاترین سطح مرجعیت و مشروعیت برخوردار بود.

البته هرگز نباید فراموش نمود که رابطه و پیوند اصیل میان نیروهای اجتماعی و زندگی سیاسی رابطه‌ای بسیار پیچیده است و مقولاتی چون قدرت، تاثیر، نفوذ و آمریت، شأن و منزلت و مشروعیت و مقبولیت را در بر می‌گیرد. این رابطه که معمولاً تحت عنوان فرایند سیاسی بررسی می‌شود^۱ خود دارای دو بخش اصلی است: یکی قدرت دولتی و دیگری قدرت اجتماعی، موضوع قدرت اجتماعی ضمن دارا بودن پیچیدگی‌های مفهومی مقوله نفوذ، فشار، اعتبار، منزلت و مقبولیت را در بر می‌گیرد. در مقابل قدرت دولتی دارای ضمانت اجرایی روشنی است که مبتنی بر توانایی اعمال زور و اجبار است. ابزار ساختاری حکومت برای اعمال قدرت زور یا اجبار^۲ صرفاً هرگز کارساز نیست.^۳ آن‌چه می‌تواند ثبات و استمرار را

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۹۵.

۲. نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، صص ۹۵-۹۶.

۳. برایان ترنر، ماکس وبر و اسلام، ترجمه، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹، ص ۳۸.

برای حکومت به ارمغان آورد و مردم را ملزم به اطاعت نماید، یافتن دلایل مشروع قدرت است و هرچه این قدرت به منبع ماورائی و کاریزمایی نزدیک تر و یا بر آن منطبق باشد، می تواند اطاعت و فرمانبرداری بیشتری را ایجاد نماید.^۱ با این توضیح در مورد خلافت فاطمیان می توان ادعا نمود، مهم ترین نمود قدرت اجتماعی آنان همان رهبری و مرجعیت برخوردار از نفوذ کاریزمایی امامان فاطمی بوده است که توسط گروه های مسلط دینی ذی نفوذ مستقر در دستگاه اداری تبلیغ و نهادینه می شد. بی شک مشروعیت برخاسته از مفاهیم دینی از بالاترین ضمانت های اجرایی در قدرت سیاسی برخوردار است و می تواند توده خاموش را به تبعیت و الزام وادارد. زیرا قدرت کاریزمایی مبتنی بر تسلیم به اقتدار امام فاطمی و اطاعت از آن ها است.^۲ از این رو مشروعیت نظم سیاسی حکومت فاطمیان مستلزم دو نکته تعیین کننده بود:

نخست: وفاق ارزشی میان مردم و هیأت حاکمه یا امام،

دوم: اطمینان مردم به روش های اجرایی که معمولاً ریشه در تجربه های امامان فاطمی و اقتباس آنان از روش های معمول خلفای عباسی در مشروعیت یابی داشت.

بی شک مشروعیت یک نظام سیاسی ماندگار مستلزم وجود یک نظام مشخص و موافق قانونی است.^۳ انجام وظایف شهروندان مصری و پذیرش سلطه و سیره دینی و سیاسی بی ارتباط با مشروعیت فاطمیان نیست. چنانچه شهروندان داوطلبانه وظیفه خود را انجام می دادند، بالاترین حد مشروعیت سیاسی بدون نیاز به قهر و اجبار تحقق می یافت.^۴ این مطلب را ابن خلدون با استناد به طولانی شدن حکومت فاطمیان تأیید می کند.^۵ او آورده است: «خلافت عیبیدیان شیعه حدود دو بیست و هفتاد سال متوالی دوام یافت و آنان مقام و عبادتگاه ابراهیم (ع) و موطن و مدفن رسول اکرم (ص) و موقف حاجیان و مهبط ملائکه را تصرف کردند. سپس فرمانروایی آنان منقرض شد در حالی که شیعیان و پیروان ایشان همه در معتقدات خود همچنان باقی و استوار بودند و به کامل ترین وجهی از آنان اطاعت می کردند و محبت آنان را از دل نمی زدودند و به نسب ایشان به امام اسماعیل بن جعفر صادق (ع) اعتقاد داشتند.»^۶

۴. برایان ترنر، ماکس وبر و اسلام، ص ۳۸ و نیز

Cf. Martin, E. Spencer, Weber on legitimacy norms and authority, British Journal of Sociology

۱. مقایسه شود با قدرت کاریزما: ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۳۸.

۲. نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ص ۱۵۸.

۳. همان منبع، ص ۱۵۷.

۴. ابن خلدون، مقدمه، ص ۲۱.

۱. ابن خلدون، همان، ص ۲۱.

افزون بر این موفقیت نظام سیاسی فاطمیان در ایجاد رفاه نسبی اقتصادی و افزایش قدرت حکومت، خود عامل تعیین کننده‌ای بود که می‌توانست در مشروعیت آنان مهم تلقی شود،^۱ چنان‌که منابع متذکر شده‌اند ورود جوهر صقلی سردار بزرگ فاطمی به مصر و استقبال عمومی از وی توأم با پیام رأفت و دوستی، عفو و بخشش، ایمنی جان و مال مردم بود. او امنیت و رفاه عمومی را برای مصریان به ارمغان آورد.^۲ از این رو ورودش به مصر با اقبال مواجه شد. از سویی عصر خلافت ابوتیمیم معد المعز لدین الله (۳۴۱-۳۶۵هـ) اولین خلیفه فاطمی مصر یکی از بهترین دوره‌های رفاه اقتصادی مصر به شمار می‌آمد. المعز لدین الله با استفاده از ثبات و آرامش کشور که عمدتاً نتیجه وفاداری بربرهای کتامة و صنهاجه بود توانست نقش مهمی را به عنوان امام خلیفه فاطمی ایفا نماید. بنابر استناد منابع در این دوره به دلیل امنیت بالای اقتصادی و حفظ حقوق مدنی شهروندان مصری شب‌ها درها را نمی‌بستند.^۳ از سویی گردش‌های شبانه الحاکم بامرالله در میان کوچه‌ها و بازارهای مصر و پرس و جو از احوال رعایا^۴ به همراه تسامح و تساهل پیشینیان او نسبت به صاحبان کتاب^۵ نیز بروجاهت مشروع خلفای فاطمی افزوده بود. برخی اعمال کاریزمایی و غیر شخصی امامان فاطمی نیز بر احساسات و عواطف شیعه‌گری دامن می‌زد. از جمله سیمای کاریزمایی آنان متأثر از مقام و منصب ارثی پیامبر (ص)^۶ و یا افزایش مظهر برافراز سر،^۷ نصب شمس کعبه^۸ بر فراز ایوان کاخ خلیفه^۱ یا منبر نشینی به سنت پیامبر (ص)^۲ و جلوس بر تخت طلا به رسم کسرا و قیصرها^۳ و حتی خواندن نماز اهل بیت بود که بر هاله قدوسیت و یا وجاهت کاریزمایی امام فاطمی می‌افزود.^۴

۲. مقایسه شود با نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، صص ۱۵۷-۱۵۸.

۳. احمد السید الصاوی، مجاعات مصر الفاطمیه اسباب و نتائج، بیروت، دارالتضامن للطباعة، ۱۹۸۸، ص ۳۰.

۴. مجمع التواریخ السلطانیة قسمت خلفا مملوکیه مغرب و مصر نزاریان و رفیقان از تاریخ حافظ ابرو، به اهتمام محمد مدرسی زنجانی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴ ص ۱۳۶.

۵. همان منبع، ص ۱۴۷.

۶. همان، ص ۱۴۰.

۷. برایان ترنر، ماکس وبر و اسلام، صص ۳۸-۳۹.

۱. برای نمونه ببینید: تقی الدین احمد بن علی المقریزی، اتعاظ الخفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفا، تحقیق محمد حلمی محمد احمد، القاهرة، المجلس الاعلی للثقون الاسلامیه، ۱۹۷۱، ج ۱، صص ۱۳۵ و نیز محمد بن عبیدالله المسیحی، اخبار مصر فی سنتین ۴۱۴-۴۱۵ هـ تحقیق ولیم. ج. میلورد، مصر، الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۰، ص ۱۸۰.

۲. نوعی از پوشش کعبه است که از بهترین پارچه‌ای که در مصر بافته می‌شد. گرانباترین تارها و الیاف زرین و بزرگ‌ترین و زیباترین قطعات جواهر زینت‌بخش این پرده بود. اول خلیفه‌ای که فرمان داد شمس برای خانه کعبه تهیه شود متوکل عباسی بود. شمس‌های مختلف ارزش‌های مختلفی داشتند که

جایگاه امام فاطمی در آیین اسماعیلی

بنیاد نظام سیاسی تنوکرسی شیعه اسماعیلیه بر اصل اساسی امامت استوار است. امام به عنوان جانشین پیامبر (ص) و محور اصلی دین، رسالت بزرگ هدایت جامعه و امت اسلامی را برعهده دارد. همه اقتدار و مرجعیت دولت برای اداره جامعه مسلمین اعم از مادی و معنوی از او که جانشین خدا و رسول او بر روی زمین است، نشأت می‌گیرد. در عقیده و باور اسماعیلیان امام از یک سو معلم دین،^۵ آگاه به رموز قرآن^۶ و از دیگر سو حاکم عادل منصوب الهی است. به همین دلیل امام نخستین و مهمترین رکن دین به‌شمار می‌آید^۷ و سایر ارکان و فروع دین چون طهارت، نماز، روزه، زکات، حج، جهاد در گرو ولایت^۸ اوست.^۹ امام مرکزیت دائره فرائض دینی را داراست. او درجه‌ی تعادل ایمان، قلب جسم و عقل کامل^{۱۰} است. او وارث علم باطنی پیامبر (ص)،^{۱۱} دانای ظاهر و باطن معانی قرآن کریم و شریعت اسلام است. امام باب رحمت و

هرگز قابل محاسبه نبود. برای اطلاع بیشتر ببینید: المقریزی، اتعاظ، صص ۱۴۰-۱۴۲ و آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی، قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۶۳.

۳. اتعاظ، ج ۱، صص ۱۴۰-۱۴۱.

۴. همان منبع، ج ۱، ص ۱۳۸.

۵. همان منبع، ج ۱، ص ۱۳۶.

۶. در مورد هیبت کاریزمایی امام فاطمی و میزان تاثیر آن ببینید: محمد بن علی بن یوسف المعروف به ابن میسر، اخبار مصر، عنی بتصحیح هنری ماسیه، القاهرة، مطبعه المعهد الفرنسي، ۱۹۱۹، ص ۵۱.

۷. تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۶۶.

۸. ببینید: ابو حاتم احمد بن حمدان، کتاب الاصلاح، به اهتمام حسن مینوچهر و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، صص ۲۴۸-۲۴۹.

۱. دیوان المؤید فی الدین، تحقیق محمد حسین کامل، بیروت، دارالمنظر، ۱۹۹۶، ص ۷۰ و ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۹۶.

۲. مفهوم ولایت به عبارتی همان اعتقاد به وصایت علی (ع) و ائمه منصوص از ذریه علی بن ابی طالب (ع) و فاطمه (س) و وجوب اطاعت از ایشان است. اطاعت از ائمه هم همان اطاعت از خداست زیرا خداوند اطاعت از رسول (ص) و اولی الامر را در کنار اطاعت خود قرار داده است. النساء / ۵۹. قاضی نعمان شروط رسیدن به این ولایت را توضیح داده است ببینید: المجالس و المسایرات، ص ۱۰۸.

۳. کرمانی رسائل، ص ۱۸۱.

۴. أربعه كتب اسماعیلیه منقول عن نسخة الخطبة هـ ۷۵ المحفوظة فی مكتبة امير و سيانة ميلانو، عنی بتصحیحها ر. شترطمان، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، ۲۰۰۲. صص ۱۱۳-۱۱۴.

۵. القاضی النعمان، المجالس و المسایرات، ص ۲۷۶.

سعادت است^۱ و بی او درهای توبه بسته است.^۲ بنابراین امام همان کسی است که حلال را حلال، حرام را حرام می‌کند، او برپاکننده حدود الهی است.^۳

طبق اصول اعتقادی اسماعیلی امام منصوص الهی است و تنها جانشین مشروع پیامبر اکرم (ص) و رئیس عالی شرع در اداره امور مسلمین محسوب می‌شود.^۴ نقش معنوی و مهم امام در تأویل و تفسیر معانی باطنی کلام منزل بسیار خطیر است.^۵ دنیای پر رمز و راز مادی و معنوی نیازمند دری است گشوده تا همه غموض و باطن دین در آن پاسخ یابد و امام تنها کسی بود که می‌توانست حق باطن را ادا نماید و خواسته‌های عقل محض را با قوانین ظاهری که همه اقتدار جامعه در آن متجلی بود، سازش دهد.^۶ او برگزیده خداوند تبارک و تعالی است و هرگز منتخب مردم نیست.^۷ بنابراین امت مسلمان داور اعمال و رفتار او نیستند و نمی‌توانند امام را نقد کنند.^۸ همان‌گونه که نقد افعال و کردار و اقوال پیامبر (ص) به عنوان مظهر اراده الهی و جانشین خدا بر زمین خطاست و پذیرفتنی نیست.

آن‌چه می‌توانست مقوم مدعای کاریزمایی امام فاطمی باشد، این بود که ضرورت و جوب امام و وظایف او از همان ضرورت تداوم وظایف عقیدتی، تبلیغی و حکومتی پیامبر (ص) ناشی می‌شود.^۹ به همین جهت بی‌نصب امام معصوم میرا از کبائر و صغائر،^{۱۰} وظایف نبی استمرار نخواهد یافت^{۱۱} و شریعت معطل خواهد ماند. زیرا امام همه وظایف پیامبرانه را به جز ابلاغ وحی داراست. امام به عنوان صاحب وصایت، وصی بلافصل نبی یا ناطق شریعت به‌شمار می‌آید و در تمام دوره حیات نبی با او و در کنار او به سر برده است.^{۱۲} جوهره او متصل به جوهره‌ی پیامبر اکرم (ص) و کمال او مشتق از کمال

۶. همان منبع، ص ۱۰۹.

۷. کتاب الهمّة فی آداب أتباع الأئمة، ص ۲۹.

۸. همان منبع، ص ۶۰.

۹. فرهاد دفتری، تاریخ عقائد اسماعیلیه، ص ۱۰۲.

۱۰. ابو حاتم احمد بن حمدان رازی، کتاب الاصلاح، به اهتمام حسن مینوچهر و مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۱۱. هاجسن، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، صص ۱۳-۱۴.

۱۲. تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۱۰۰ و ابن خلدون، مقدمه، صص ۱۹۶-۱۹۷.

۱۳. این موضوع با آموزه‌های عمومی اهل سنت متفاوت است.

۱۴. تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۶۸.

۱۵. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۹۶.

۱۶. این از جمله فصول مشترک اسماعیلیه و شیعه امامیه است.

۱۷. الکرمانی، راحة العقل، صص ۱۶۴ و ۱۶۹ و تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۶۶.

پیامبر (ص) است.^۱ پس اگر نبی مبلغ الی الله است، امام ادامه دهنده راه او، پیوسته و متصل به اوست. امام معلم شریعت و مفسر شرع و منبع همه علوم^۲ و خزانة حکمت است.^۳ مقام ناطق در عالم دین به واسطه امام محفوظ می ماند. زیرا صاحب شریعت اسرار دین را به او ودیعه داده است.^۴ از این رو امام معنای باطنی همیشه ثابت احکام و قوانین شریعت را می داند. او آگاه از کنه دین و دانای کلام الهی و فرایض عبادی و حدود شرعی است.^۵

با این توصیف اندیشمندان فاطمی تمامی تلاش خود را صرف تبیین و اثبات ضروری و جوب امامت منصوص الهی و دلایل عقلی و شرعی نمودند. هم ایشان نیز به دلایل قرآنی و روایی^۶ که عمدتاً همان مستندات علمای شیعه امامیه است، توسل جسته،^۷ به اثبات مدعای خویش نائل آمدند. آنان وصایت امام را چون نبوت ناشی از لطف خداوندی می دانند. زیرا براساس قاعده لطف،^۸ می بایست امامت منصوص با نصب الهی وظیفه هدایت امت را به دست گیرد این لطف که خود قاعده ای عقلی است بر ضرورت و جوب امام مزید می شود و به موجب آن امام تقدسی دو چندان می یابد. این تقدس از یک سو ضرورت شناخت امام را ایجاب می کند، یعنی هر کس بدون شناخت امام زمان خویش بمیرد به مرگ جاهلی مرده است.^۹ زیرا شناخت امام زمان همان شناخت خداست. از دیگر سو امام ساحتی واجب الاطاعة می یابد.^{۱۰} زیرا خداوند

۸. همان منبع، ص ۶۵.

۹. همان منبع، ص ۶۵ و ۶۸؛ ابو محمد مرتضی عبدالسلام بن الحسن القیسرانی معروف بابن الطویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، حقه و قدم له ایمن فواد سید، بیروت، دار صادر ۱۹۹۲، ص ۳۹.

۱۰. تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۸۴.

۱. همان منبع، ص ۸۸.

۲. برای نمونه ببینید، القاضی النعمان، المجالس و المسایرات، ص ۶۰-۶۳.

۳. رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، ص ۸۳.

۴. برای نمونه: القاضی النعمان، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام. تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، القاهرة، دارالمعارف، ۱۳۸۳ هـ ج ۱، بیشتر صفحات.

۵. طبق آیین اسلامی ضرورت و جوب امامت منصوص الهی با دلایل عقلی و شرعی اثبات می شود و دلایل قرآنی و روایی نیز که عمدتاً همان مستندات دانشمندان شیعه امامیه است، این مدعا را اثبات می کنند و همچنین فقهای اسماعیلی چون شیعه امامیه وصایت امام را همچون نبوت ناشی از لطف خداوندی می دانند.

۶. دعائم، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۷ و شرح الاخبار، ج ۲، ص ۵۱۲-۵۱۳ و المؤید فی الدین، المجالس المؤیدیة، حقه و علق علیه محمد عبدالغفار، القاهرة، مکتبة مدبولی، ۱۹۹۴، ص ۲۷۶.

۷. معرفة الله، معرفة إمام زمان، ص ۷۲.

فرموده است: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم^۱ که این یعنی اطاعت از اولی الامر در کنار اطاعت از خدا و پیامبر (ص) و اولی الامر همان امامان و اهل بیت هستند.^۲ در تایید این مطلب امام صادق (ع) افزوده‌اند: «ما اولی الامر هستیم و اطاعت از ما واجب است.» و در جایی دیگر به نقل از ایشان آمده است: «من اطاعنا فقد أطاع الله و من عصانا فقد عصی الله سبقت طاعتنا عزيمة من الله الی خلقه انه لا یقبل من أحر عملاً إلا بنا فنحن باب الله و حجته و أمناؤه علی خلقه و حفظة سره و مستودع علمه.»^۳

بدین ترتیب نخستین اصل مشروعیت امام فاطمی، اصل نص بود که به مفهوم بنیادی امامت در فرهنگ شیعه اسماعیلی مشروعیت و مرجعیت تام می‌بخشید. چه امام در مسند حکومت باشد و چه نباشد، او دارای اقتدار تام بود. زیرا بر اساس مبانی اعتقادی آنان امامت و صفات کاریزمایی تنها با نص صریح منتقل می‌شد.^۴ چنان‌که تنها وصی و جانشین بلافصل حضرت رسول اکرم (ص) علی بن ابی طالب است.^۵ مقام علی (ع) پس از پیامبر اکرم (ص) که مقام ناطق شریعت را داراست، مرتبه وصایت، امامت و خلافت است^۶ یعنی جانشین و نماینده وثیق او در دعوت عملی مردم به صراط مستقیم است.^۷ بنابراین امام فاطمی وظیفه خطیر هدایت جامعه را به راه راست برعهده داشت.^۸ امام یا اساس میراث بر ناطق است. همه امامان بعدی از ذریه علی و فاطمه از طریق امام حسین (ع) استمرار می‌یابند^۹ و به واسطه نص امام قبلی، امام بعدی تعیین می‌شود. به عبارتی در سلسله مراتب امامان اسماعیلی با پذیرش امام علی (ع) به عنوان وصی، و امامت امام حسن (ع) به

۸. قاضی النعمان، الهممة، ص ۶۵ و دیوان الموید فی الدین داعی الدعاة، تحقیق محمد کامل حسین، ص ۷۱ و تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۹۰.

۱. النساء / ۵۹ و بینید: محمد کامل حسین، سیره الموید فی الدین داعی الدعاة، ص ۲۶.

۲. الهممة فی آداب اتباع الائمة، صص ۱۲ و ۳۰.

۳. جمال الدین الشیال، مجموعة الوثائق الفاطمیة، ص ۲۱۵.

۴. همان منبع، ص ۶۵.

۵. سجستانی، الافتخار، ص ۶۸.

۶. القاضی النعمان، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۱۶ و تاج العقائد و معدن الفوائد، ص ۷۳.

۷. کرمانی، راحة العقل، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، ۱۹۶۷، صص ۵۷۴-۵۷۵ سجستانی، الافتخار، ص ۷۰، أبو حاتم رازی، الاصلاح، ص ۲۴۹.

۸. أبو حاتم رازی، الاصلاح، ص ۲۴۹.

عنوان نخستین امام،^۱ امام جعفر صادق (ع) امام پنجم و پسرش اسماعیل وصی او و ششمین امام محسوب می‌شود. پس از امام یا اساس، سلسله هفت گانه امامان قرار دارند که آخرین آن‌ها امام رستاخیز یا قائم یا مقیم نامیده می‌شود.^۲

با این توضیح امام اسماعیلی مدعی نص و نصب الهی بوده و به عنوان وصی امام پیش از خود دارای مرجعیت مشروع دینی و سیاسی بود.^۳ طبق اصول اعتقادی آنان امامان فاطمی تنها امامان حقیقی امت اسلام به‌شمار می‌آمدند.^۴ در منظر آنان خلفای اموی و عباسی غاصبانی بیش نبودند.^۵ آنان امامان علوی و فاطمی را از حق مسلم رهبری جامعه اسلامی محروم کردند و مانع تحقق اراده الهی شدند. از این‌رو امام فاطمی بر خود فرض می‌دانست به عنوان خلیفه خدا و رسول (ص) او در زمین، مظهر تحقق اراده الهی سخن‌گوی اسلام شیعه باشد.^۶ در این طریق فقه اسماعیلیه که مرهون تلاش نوابغی چون قاضی نعمان بود، کوشید همه اعتبار و اهمیت اعتقادی را به امام فاطمی بدهد و او را به عنوان امام - خلیفه علوی، معصوم، مشروع و محق معرفی نماید.^۷ از این‌رو در سراسر منابع فقهی این دوره به وضوح مساعی اندیشمندان علم برای اثبات حقانیت رهبری و مشروعیت دولت علوی و فاطمی تحت فرمانروایی امام منصوب از اهل بیت با همه ادله قرآنی و روایی و تاریخی وجود دارد.^۸ بنابر این حکومت فاطمیان در مصر حکومتی دینی بود که براساس رهبری کارزمایی امام فاطمی شکل گرفت

۱. تاج العقائد، ص ۶۵ و أربعة کتب اسماعیلیه، ص ۱۳۹.

۲. مستعلویان امام حسن را نخستین امام و اسماعیل و محمد را امام ششم و هفتم می‌دانند. اما نزاریان بر تساوی ائمه اعتقاد دارند و علی (ع) را امام نخست و امام حسین (ع) را دومین امام قلمداد می‌کردند. آنان امام حسن را امام مستودع یا موقتی می‌دانستند. ببینید: فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۲۴.

۳. از آن‌جا که اساس و بنیاد نظام اندیشه دینی اسماعیلی در مرحله پیش از فاطمیان مصر نهاده شده است و بیشتر اطلاعات این دوره به دلایل مختلف تاریخی از جمله سری بودن دعوت و ستر ائمه اسماعیلی یا از میان رفته و یا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد پی‌گیری تفصیل برخی موضوعات تا حدودی ناممکن می‌نماید و زمانی بر ابهام آن افزوده می‌شود که می‌توان دریافت هنوز میان محققان اسماعیلی و فاطمی اختلاف‌نظرهای اساسی در مورد آیین اسماعیلی پیش از فاطمیان وجود دارد. ببینید: مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ص ۷۱-۷۳.

۴. کرمانی، راحة العقل، صص ۳۷۳ و ۵۷۴-۵۷۵.

۵. هاینس هالم، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزانه، روز، ۱۳۷۷، ص ۲۶.

۶. القاضی النعمان، المجالس و المسایرات، ص ۲۸۶ و ۳۴۷ و نیز ببینید: تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج، زیر نظر پی. ام هولت و آن. ک. س. لمتون، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۲۵۵.

۷. فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، ص ۹۰.

۸. ببینید توضیح روشن قاضی نعمان در کتاب دعائم الاسلام فصل نخست در باب ولایت.

و با تلاش نهادهای تأثیرگذار و نظریه‌پردازی عالمان اسماعیلی، تسلیم و اعتراف به حقانیت آنان در همه پیروان، اتباع و نوکیشان رسوخ کرد.^۱

وجه دیگر مشروعیت مذهبی رهبری کاریزمایی فاطمی ناشی از باور و سرسپردگی پیروان نسبت به خارق‌العاده بودن آن‌ها است^۲ زیرا بدون فرمان بردن و اطاعت کردن تابعان و پیروان، قدرت رهبری وجود نخواهد داشت.^۳ رهبر کاریزما با طرح تکالیف شرعی و با استناد به رسالت الهی که بر عهده دارد از اتباعش طلب اطاعت و پیروی می‌کند^۴ تا زمانی که این اطاعت و سرسپردگی^۵ وجود داشته باشد، رهبر کاریزما موفق خواهد بود. بنابراین مشروعیت حاکم فرهمند متکی بر باور پیروان او است.^۶ تبلیغ کاریزمایی ائمه فاطمی توسط اندیشمندان و داعیان اسماعیلی با کشیدن هاله‌ای قدسی و دست‌نیافتنی بر گرد امام در جهت تحکیم بخشیدن به حاکمیت فرهمند و فرمانروایی مطلق او بود. به عبارتی واجب‌الاطاعة دانستن امام و قراردادن اطاعت او در کنار اطاعت خدا^۷ و رسول (ص) و یا دیدن نور الهی در سیمای امام فاطمی^۸ بر ساحت قدسی او می‌افزود.^۹ ترس از ائمه و بزرگداشت جلال و جبروت او^{۱۰} و یا احساس خاکساری و تعظیم و زمین‌بوسی^{۱۱} و تکریم در مقابل امام^{۱۲} و احساس شرم در هنگام شرف‌یابی ناشی از جایگاه مقدس و کاریزمایی امام فاطمی بود. اگرچه در عصر مورد نظر نزد عامه زمین‌بوسی و خاکساری پسندیده نبود و آن‌را گستاخی در برای خالق تلقی می‌کردند،^{۱۳} لیکن فقها و داعیان

۲. تاج العقائد و معدن الفوائد، صص ۶۵-۶۸.

۳. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۵۷.

۴. لویس، کوزرو، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ص ۱۵۰.

۵. هانا آرن، خشونت، ترجمه فولوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹، ص ۵۷.

۶. اقتصاد و جامعه، ص ۴۳۲.

۷. این سرسپردگی هم‌اکنون تبعید است.

۸. همان منبع، همان‌جا، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ص ۱۵۱.

۹. تاج العقائد و معدن الفوائد، صص ۹۰-۹۱.

۱۰. کتاب الهمة فی آداب اتباع الائمة، ص ۶۰.

۱۱. پیامبر فرمود: نحن نور من نور الله و شیعتنا مناء المؤید، دیوان، ص ۷۶.

۱. جمال الدین علی بن ظافر، اخبار الدول المنقطعة، دراسة تحليلية للقسم الخاص بالفاطمین مع مقدمة و تعقیب اندریه فریه، القاهرة، مطبوعات المعهد العلمی الفرنسي للآثار الشرقية، بی‌تا، ۵۱.

۲. المجالس و المسایرات، ص ۵۸، کتاب الهمة فی آداب اتباع الائمة، صص ۱۰۰-۱۰۶.

۳. آدام متر، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج ۱، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

اسماعیلی به ویژه فقیه برجسته فاطمی قاضی نعمان کوشیدند به گونه‌ای آستان‌بوسی و تکریم ائمه را تفسیر و توجیه نمایند. آنان با شرح چگونگی آداب سلام کردن، صحبت نمودن،^۱ تواضع تا حد سجده و پیشانی بر خاک نهادن در برابر امام^۲ به همراه تعداد بی‌شماری از احادیث و روایت تلاش می‌کردند و جاهت کاریزمایی امام فاطمی را نهادینه کنند و اعمال ناشی از اطاعت محض را در برابر امام^۳ موجه جلوه دهند.

از این رو در باور اسماعیلیه امام فاطمی نمی‌بایست فردی عادی و یا فرهیخته‌ای به مفهوم متعارف باشد، بلکه بایستی دارای ویژگی‌های فوق بشری بوده از خطا مصون و به اهرم عصمت مجهز و به گونه‌ای اعجاز^۴ مسلح بوده باشد تا بتواند به عقاید توده خاموش محتوا و سمت و سو دهد.^۵ طبق آموزه‌های فاطمیان همه خطاپذیران دنیوی محتاج ارشاد امام هستند. راهیابی به بهشت تنها به اذن او میسر است.^۶ امام باب رحمت است^۷ و اسباب شفاعت و مغفرت،^۸ امام نگاهبان شریعت و وارث نبوت و هدایت‌کننده انسان‌ها به صراط مستقیم است.^۹ بی‌بی او درهای توبه بسته است.^{۱۰} او باب الحوائج و درگشوده‌ای برای حاجتمندان^{۱۱} و اساس رحمت و نعمت خدا بر خلق است.^{۱۲} او زمام دین و نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزت مؤمنین، اساس اسلام و فروع آن به‌شمار می‌آید.^{۱۳}

یکی دیگر از عوامل مهم تأیید مشروعیت دینی امام فاطمی که می‌توانست وراثت بر حق امام را اثبات نماید، مسأله اعجاز است که به عنوان خصیصه‌ای کاریزمایی نمایش‌گر تجلی قدرت الهی امام فاطمی بود. وی از طریق اعجاز به‌طور

۴. کتاب الهممة فی أتباع الأئمة، صص ۱۰۰-۱۰۵.

۵. المجالس و المسایرات، ص ۵۷-۶۰.

۶. ابن هانی، دیوان، ص ۴۵.

۷. القاضی النعمان، افتتاح الدعوة، بیروت، دار الاضواء ۱۹۹۶، ص ۱۸۹.

۸. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ص ۱۴۸.

۹. محمد بن هانی اندلسی، دیوان، تحقیق محمد الیعلوی، بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ۱۹۹۴، ص ۷۳.

۱۰. کتاب الهممة فی أتباع الأئمة، ص ۲۹.

۱۱. همان منبع، ص ۳۰.

۱. دیوان المؤید، ص ۸۶ و ابو حاتم رازی، کتاب الاصلاح، ص ۲۴۹.

۲. کتاب الهممة فی أتباع الأئمة، ص ۲۹ و المجالس و المسایرات، صص ۸۶-۸۷.

۳. المجالس و المسایرات، ۴۸۸.

۴. کتاب الهممة فی أتباع الأئمة، ص ۴۲.

۵. عبدالمنعم ماجد، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، القاهرة، مکتبة الانجلو المصریة، ۱۹۸۵، ص ۷۳.

غیرمستقیم به اتباع و پیروانش ثابت می‌کرد که او تنها مرشد و پیشوای مورد نظر و مطلوب خداست.^۱ اعجاز از طریق وراثت نبی به اعقاب آنان که در سلسله امامان راستین قرار دارند تا پایان دنیا به ودیعه نهاده شده است.^۲ به همین دلیل یکی از فضائل و کرامات امام فاطمی معجزه بود. به‌ویژه غیب‌گویی و اطلاع دادن از آینده^۳ زمینه پذیرش آزادانه امام فاطمی را پدید می‌آورد. هرچند خلفای فاطمی هرگز ستایش و مجیز غالی گریانه پیروان و اتباع خود را نپذیرفتند و در بیشتر منابع به نحوی از انحاء غالیان را نکوهش کرده‌اند و از صفاتی از این دست که برخاسته پیروان غالی بود، براءت جستند.^۴

پاگرفتن حکومت فاطمیان در مصر و طولانی شدن زمان خلافت ایشان و کارآمدی آنان در امور سیاسی و نظامی، نشان از مقبولیت خلفای فاطمی داشت.^۵ با مرور حوادث این عصر به‌خوبی می‌توان دریافت که امام فاطمی هرگز در یک خلأ اجتماعی فعالیت نمی‌کرد. زیرا او از اعتبار حمایت و اطاعت دینی و اجتماعی پیروان برخوردار بود. مقبولیت خلافت فاطمی شرط تحقق عینی امامت و عامل مؤثر در به اجرا درآمدن فرمان ایشان و پذیرش تولی ائمه توسط داعیان و مبلغان و عامه مردم بود. از جمله عوامل گرایش مصریان به امامان فاطمی و دعوت آنان به مصر برای حل مشکلات اجتماعی و سیاسی آن سامان، صرف نظر از عوامل داخلی و مشکلات سیاسی، به‌خاطر تبلیغات داعیان پیرامون امام فاطمی و طرح اعتبار کاریزمایی آنان صورت گرفت.^۶ امام خلیفه فاطمی از همان ابتدا با انتساب به خاندان پیامبر (ص) و طرح موضوع اهل بیت (علیهم السلام) از آل علی (ع)^۷ و شعار مهدویت مشکل کاریزمایی خلافت خود را حل کرد و توانست رابطه‌ای فراگیر و معتبر با اتباعش برقرار نماید و همین رابطه‌ی ناشی از وجاهت کاریزمایی موجب شد تا از سایر خلفا و رقبای هم‌عرض چون عباسیان و امویان اندلس جدا شوند.^۸ بروز بی‌کفایتی بزرگ‌ترین رقیب فاطمیان یعنی خلفای عباسی در تأمین امنیت و حفظ

۶. ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۳۵.

۷. افتتاح الدعوة، ص ۱۸۹.

۸. المؤید فی الدین، دیوان، ص ۲۷۹ قصیده ۳۷ و ابن خلدون، مقدمه، صص ۳۳۴-۳۳۵.

۹. برای نمونه ببینید: المجالس و المسایرات، ص ۴۱۹ و ۴۲۰، تحت عنوان المعز یحذر من غلو المغالین من دعاته.

۱۰. ابن خلدون، مقدمه، ص ۲۲.

۱. آن. کی. اس. لمتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹.

۲. ابن عذاری، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق و مراجعه، ج. س. کولان و ا. لینی برفنسال، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۹۸، جزء الاول، ص ۱۵۲.

۳. ابن خلدون از تسلیم و اعتراف و ایمان کامل به خلافت فاطمیان و پذیرش ادعاهای آنان خبر داده است. ببینید: مقدمه، ص ۱۵۷.

حرمین شریفین - مکه و مدینه - از تهاجم بدویان و قرمطیان، موجب شد بر اقتدار فاطمیان افزوده شود. این اقتدار زمانی فزونی یافت که فاطمیان مصر توانستند حجرالاسود ربوده شده توسط قرمطیان را به مکه بازگردانند.^۱

شایان ذکر است طبق آموزه‌های اسماعیلی تجسم رهبری کاریزمایی امامان فاطمی مبتنی بر بازگشت به گذشته‌ای آرمانی بود^۲ و این گذشته آرمانی همانا انتساب به اهل بیت پیامبر (ص) و علی (ع) و یگانه دخت رسول اکرم (ص) بود و این موضوع با دوری جستن از خلفای معارض و رقبا مهم خود یعنی امویان و عباسیان تشدید می‌شد.^۳ امامان فاطمی با دارا بودن شرایط و توانایی عالی در درک و بیان تعالیم دینی و کشف و ابلاغ حقایق دین توانستند تقدس، مشروعیت و مقبولیت را یکجا جمع نمایند. هرچند در این تلاش پرثمر نقش داعیان توانمند و فقهای اندیشمند بسیار تعیین‌کننده بود.

با این توضیح امامت معمولاً بالاترین مرجع جهان‌خاکی به‌شمار می‌آمد. وقتی امام حاضر باشد دیگر به وصی یا اساس و ناطق نیازی نیست. زیرا ناطق و اساس عموماً هر هزاره یک بار ظهور می‌کند و همیشه وجود ندارد.^۴

نقش القاب کاریزمایی

در سراسر دوره خلافت فاطمیان فرایندی از ارتباطات جانشین‌ساز با پیام‌ها و سخنرانی‌ها و خطبه‌های امام فاطمی و یا تبلیغات داعیان آنان به اجرا درآمد. در این فرایند که سیطره و سلطه دینی و دنیوی امام فاطمی بر آن سایه افکنده بود، نقش عمده و مهم القاب و نشانه‌های کاریزمایی بسیار کارساز بود. به گونه‌ای که تلاش عمدی برای تشبث به نمادهای کاریزمایی شیعه به میزان بالایی صورت می‌گرفت تا این که القاب و یا نشانه‌ها یکجا نزد خلیفه فاطمی گرد آید.

این القاب در وهله نخست مکانت کاریزمایی اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و سلاله انبیاء الهی را به همراه داشت و همه را به امامان فاطمی منتقل می‌کرد و در مراحل دیگر نیز تداعی اسطوره‌های کاریزمایی منبعث از تاریخ شیعه را در شخصیت کاریزمایی امام - خلیفه فاطمی در پی داشت. از این رو داعیان سخت‌کوش فاطمی در فرایند جانشین‌سازی از همه نشانه‌ها و القاب رهبری کاریزمایی بهره کافی بردند. محصول نهایی این القاب و اسامی سرسپردگی، اطاعت محض و تعبد پیروان بود.

۴. اتعاض، ج ۱، ص ۱۸۵.

۵. برایان ترنر، ماکس وبر و اسلام، ص ۴۳.

۱. المجالس و المسایرات، ص ۲۳۵ و ۲۸۶ و ۴۳۱ و ۵۳۱ و...

۲. پل. ای. واکر، ابو یعقوب سجستانی، ترجمه فریدون بدره‌ای، ص ۱۰۸.

۱. امام: نخستین لقب مهم و تعیین کننده‌ای را که فاطمیان به کار بستند لقب امام بود که در

فرهنگ سیاسی همواره مرادف و همنشین با کلمه خلافت بوده است^۱ و همه اعتبار و ارزش سیاسی و دینی شیعه چون عصمت را در خود مستتر داشت.^۲ به همین جهت در فرهنگ غنی شیعه این واژه از جمله قدیمی‌ترین و پرمعناترین واژگان است که همه اقتدار دینی و دنیوی و معنوی خلیفه را به همراه داشت و تمام جنبه‌های کاریزمایی امام علی (ع) و فرزندان او را به ذهن متبادر می‌کرد و خود همه اعتبار جانشینی نبی (ص) را به ودیعه داشت. به همین دلیل شیعیان عمدتاً همه کسانی که از اهل بیت بعد از علی (ع) نامزد خلافت بوده‌اند را، امام نامیده‌اند.^۳

دین باوران شیعه فاطمی مدافع حکومت تئوکراسی نیز با گرفتن لقب مهم امام از همه امتیاز ویژه کاریزمایی موروثی منطبق بر نص و میراث بری پیامبر (ص) از بابت خویشاوندی و رابطه نسبی با وی برخوردار شدند و توانستند بیشتر مخالفان، معارضان و رقیبان خلافت را شکست دهند و به عنوان تنها خلفای بر حق پیامبر (ص) و منصوبان الهی حکومتی دینی و خدایی پی افکنند. از این رو برای تحکیم ارکان خلافت و تحقق مشروعیت تام و تمام از مباحث کلامی و فقهی نهایت استفاده را بردند و در همه آموزهای دینی مبانی مشروعیت امامت را تقویت کردند. نظریه پردازان اسماعیلی در تدوین آثار خود تمامی محور اندیشه‌های فقهی و مباحث کلامی را بر اصل تعیین کننده و محوری امامت و رهبری استوار کردند و همه هم و کوشش خود را متوجه متزلزل نمودن پایه‌های مشروعیت اقتدار عباسیان بغداد و امویان اندلس نمودند. طبعاً در چنین شرایطی بهره‌گیری از لقب امام می‌توانست همه اقتدار مشروع مدعیان را خدشه‌دار نماید و به سادگی آن‌را پیش از نام خلیفه قرار دهد و فراتر از معنای خلافت را در خود داشته باشد. انتساب به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) از شاخه فاطمی که همه علویان و سادات حسنی و حسینی را نیز در بر می‌گرفت در مفاخره نهایی مؤثر واقع شد و با سطله دنیوی و معنوی آنان بر حجاز و حرمین شریفین^۴ خلفای فاطمی توانستند لقب امام المسلمین را به خود اختصاص دهند. زیرا حاکمیت و سلطه سیاسی و معنوی بر این اماکن متبرکه و شریف تحقق امامت مسلمین را در پی داشت.^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ابن خلدون، مقدمه، ص ۲۲۷.

۲. همان منبع، ص ۲۳۰.

۳. همان منبع، ص ۲۲۸.

۴. ابن خلدون، تاریخ، ج ۴، ص ۶۲.

۵. ابن خلدون، مقدمه، ص ۲۲۸.

۲. **خلیفه:** یکی دیگر از القاب کاریزمایی رهبران اسلامی که در دوره‌های متمادی پس از پیامبر (ص) به همه جانشینان سیاسی او اطلاق می‌شد، واژه خلیفه است. پسوندهای متعدد «الله» و یا «رسول» نیز هر کدام می‌توانست به نوبه خود جایگاه کاریزماتیک خلیفه را به لحاظ معنایی مطرح نماید. به عبارتی نامیدن خلافت با پسوند رسول به معنی جانشین و صاحب منصب پیامبر (ص) در میان امت اسلامی و با پسوند الله، به معنی خلیفه الهی است. از این رو وی را گاه به طور مطلق خلیفه الرسول و گاه خلیفه الرسول الله که تأکید الهی آن بیشتر می‌نمود، خوانده‌اند. ابن خلدون تصریح دارد: «جانشینی صاحب شریعت در حفظ دین و سیاست دنیا خلافت و امامت نامیده می‌شود».^۱

به لحاظ تاریخی واژه خلیفه رسول الله برای نخستین بار به ابوبکر بن ابی قحافه اطلاق شد^۲ و از زمان او این لقب عنوان رایج رهبر سیاسی جامعه اسلامی بود.^۳ هرچند گاهی عمر بن خطاب را خلیفه الله می‌نامیدند و به شدت به آن اعتراض می‌کرد.^۴

درباره نامیدن رهبر اسلامی به خلیفه الله میان فقها و اندیشمندان مسلمان اختلاف نظر است. چنان که برخی از علما آیات قرآن^۵ را در تایید خلافت الهی آدمیان پذیرفته‌اند و البته جمهور ایشان

نیز آن را رد کرده‌اند.^۶

۳. **امیرالمومنین و امام المسلمین:** مهمترین وجه مشخصه خلافت فاطمیان مصر گرفتن دو لقب مهم و تعیین کننده امام المسلمین و امیرالمؤمنین توأمان بود. اطاعت و فرمانبری از امام فاطمی و ولایت و محبت ایشان^۷ یک اصل اساسی عقلی و دینی بود که می‌توانست همه وحدت اجتماعی و دینی را برای جامعه مصر به ارمغان آورد. اطاعت مطلق از امام و

۲. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۹۱.

۳. لمتون، همان، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۵۶.

۵. طبری، تاریخ الامم و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراتی، ج ۴، ص ۲۰۹.

۶. برای نمونه: انی جاعل فی الارض خلیفه، بقره / ۲۸ و نیز هوالذی جعلکم خلائف فی الارض، انعام / ۱۶۵.

۷. ابن خلدون، مقدمه، ص ۱۹۱.

۸. المجالس و المسایرات، ص ۳۸۹.

تمسک به ولایت او سلطنت دنیوی امام فاطمی را تضمین و تقویت می‌کرد. امت اسلامی امت واحده‌ای است که همه جامعه شیعه و سنی را در برمی‌گیرد و تنها راه رستگاری آنان تبعیت از امام بر حق، و منصوص الهی است. از آن‌جا که همه جماعت مسلمین جزو حزب مؤمنین بودند سر تسلیم در برابر امام فرود آوردند و از او اطاعت کردند و امرش را گردن نهادند.^۱ بنابراین امامت او دلالت بر همه مکان‌ها و زمان‌ها دارد. او اساس وحدت اجتماعی و دینی همه جامعه اسلامی است. او رکن رکن دین بود و قوام و جوهره دین بسته به اصل اساسی امامت بود. از این‌رو نشانه مخصوص خلافت لقب تعیین‌کننده امیرالمؤمنین بود.^۲

با این توضیح در تمامی دوره پرفراز و نشیب خلافت فاطمیان همه تلاش داعیان سخت‌کوش اسماعیلی در تقویت ایمان مؤمنان به خدا و رسول و امامان اهل بیت که حجج خداوند و رسالت پیامبری بر زمین‌اند، بود. از منظر ایشان همه مسلمانان مؤمن نبودند بلکه تنها اهل ولایت مؤمن محسوب می‌شدند. عقیده به امامت دو وظیفه مهم بر دوش مؤمن می‌نهاد اول ولایت و دیگری تسلیم یعنی عشق به امامان و اطاعت کامل از آنان در امور مادی و معنوی و وظیفه دوم نیز امکان مخالفت با امامان را از میان می‌برد. تنها امام فاطمی می‌توانست حقیقت دین را به دیگران و به پیروان خود آشکار کند. او مفسر اصلی شریعت، باطن قرآن و تأویل آن بود. او امام المسلمین بود و هدایت اصلی جامعه را برعهده داشت.

تنها لقبی که به لحاظ سیاسی و دینی بیان‌گر اوج اقتدار دنیوی و رهبری مذهبی و عمق عقاید درونی اسماعیلیه بود، لقب امیرالمؤمنین بود. به همین دلیل در فرهنگ سیاسی و دینی اسماعیلیه فاطمی برای تکمیل جایگاه امام المسلمین لقب امیرالمؤمنین متصل و قرین با آن کاربرد می‌یافت. براساس منابع اسماعیلی عبیدالله مهدی نخستین امام خلیفه فاطمی مغرب پس از تشکیل حکومت لقب امیرالمؤمنین را با نام خود همراه نمود^۳ تا گویای اقتدار سیاسی و دنیوی او باشد. این لقب از دو کلمه امیر و مؤمنان تشکیل یافته است. پیش از اسلام واژه امیر به فرماندهی سپاه اطلاق می‌شد^۴ و در عصر فتوحات اسلامی نیز این لقب دارندگان مناصب هر دو قوای نظامی و اداری را شامل می‌شد بنا بر این برخی متفکران اسلامی مسلمانان را به مثابه قوایی دانسته‌اند که دارای مکانت سیاسی و اجتماعی بوده و خلیفه امیری این قوا را برعهده دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. این مطلب به وضوح در نامه المعز لدین الله به مردم سجلماسه آمده است. المجالس و المسایرات، ص ۳۹۰.

۳. این نامه در مقدمه ابن خلدون چاپ بیروت و مصر حذف شده و مترجم این کتاب را از چاپ پاریس استفاده نموده است. عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن

خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۶۹.

۱. افتتاح الدعوة، ص ۱۶۴ و ۱۶۷-۱۶۸.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ص ۲۲۷.

از نگاه نظریه پردازان سیاسی شیعه امام تا قبل از تصدی فرمانروایی جامعه اسلامی ولایت خاص دارد اما به محض تحقق حاکمیت و سلطه سیاسی رهبری عام می‌یابد. به عبارتی امام شیعه از امام علی گرفته تا شاخه‌های عباسی یا فاطمی و حتی ادریسیان فاس تا قبل از استیلاء حکومتی تنها لقب امام را دارا بودند. برای نمونه ابراهیم امام و یا عبیدالله المهدی و دیگران، لیکن پس از احراز حاکمیت توسط سفاح عباسی و یا خود عبیدالله فاطمی لقب امیرالمؤمنین به آنان اطلاق شد.^۱

ابن خلدون در یک گزارش و تحلیل کلی از جایگاه امیری مومنین تسلط و امارت بر سرزمین‌های اصلی اسلامی چون مکه و مدینه را نشانه اختیار این لقب می‌داند و به دلیل محرومیت امویان اندلس از فرمانروایی بر حجاز از احراز لقب امیرالمؤمنین عاجز بودند. چنان‌که همو در مقدمه آورده است: «خلفا لقب امیرالمؤمنین را به وراثت می‌گرفتند و آنرا نشانه برای کسی قرار داده بودند که فرمانروای حجاز و شام و عراق و ممالکی باشد که دیار و مسکن عرب و مراکز دولت و اصل ملت اسلام و جایگاه فتح باشد.»^۲

۴. **سلطان**: واژه سلطان نماد اقتدار سیاسی و دنیوی فرمانروایان اسلامی است که همه اعتبار سیاسی خود را از اقتدار رهبری سیاسی ایرانیان قبل از اسلام می‌گیرند. سلطان بر رعیت حکم می‌راند و فرمانروای رعیت است از این رو در برخی منابع اسماعیلی امام فاطمی را سلطان نامیده‌اند. او فرمانروایی است که حکم و فرمانش مطاع و لازم‌الاجراست. پس اطاعت رعایا از سلطان واجب است.

شایان توضیح است که قلت کاربرد لقب سلطان برای خلیفه فاطمی شاید از این جا ناشی می‌شد که وجاهت امامت او کفایت لازم مشروعیت او را به همراه داشت از این رو نضج سلطنت به گونه‌ای که در دربار عباسیان وجود داشت هرگز در دربار فاطمیان موجود نبود. چنگ‌اندازی کامل سلطنت‌های ایرانی بر پیکره خلافت اسلامی بغداد و رقابت‌های پیدا و پنهان ایشان در آثار کلامی و فقهی ماوردی و یا غزالی را می‌توان دریافت. به هر تقدیر در هیچ یک از اسناد دوره فاطمی این لقب نیامده است و تنها منبعی که به صراحت خلیفه فاطمی را سلطان نامیده، کتاب سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی حجت عراقین است.

۶. سایر القاب: در کنار القاب خاص و یا عامی که به خلیفه اطلاق می‌شد الفاظی وجود دارد که یا در مراسم و یا مجالسی ویژه به امام فاطمی اختصاص می‌یافت و یا بر سکه‌های این دوره نقش می‌بست. هر یک از این الفاظ مؤید صفات و یا ویژگی‌های کارزمایی امام فاطمی بود. در بسیاری از مکاتبات رسمی این دوره مجموعه الفاظی کارزمایی وجود دارد

۳. ابن خلدون، همان، صص ۲۲۷-۲۲۸.

۴. ابن خلدون، مقدمه، صص ۲۲۷-۲۲۸.

که گاه چنان افراطی است که حکایت از اندیشه غالی گرایانه داعیان فاطمی دارد. برای نمونه الفاظی چون «سیدنا» «مولانا» «هادی دعاه المؤمنین» «کاشف الغمه و غیث الانام» «ولی عصر» و یا القاب کاریزمایی و الوهی و علوی دیگری که همگی دلالت بر اندیشه امام محوری شیعه اسماعیلیه دارد.

سکه‌های عصر فاطمی نیز از دیگر اسناد و منابعی هستند که نوشته‌های حکک شده بر آن‌ها دلالت بر مقام کاریزمایی امام فاطمی دارد. این سکه‌ها از یک سو موید انتساب فاطمیان به اهل بیت پیامبر اکرم هستند و از دیگر سو القابی را متذکر می‌شوند که مزید بر وجاهت کاریزمایی امامان فاطمی بوده، بیان‌گر جایگاه علوی و مکانت عالی آنان است. چنان‌که بر سکه المستنصر چنین حکک شده بود. ضربت فی الدولة آل الهدی من آل طه و آل یاسین المستنصر بالله جل اسمہ و عبده الناصر لدين الله.^۱

امام فاطمی و شیعیان او

امام فاطمی به عنوان کسی که صاحب توانایی‌ها و یا خصوصیات فوق بشری و خارق‌العاده و یا حداقل استثنایی بود، تمام خائص رهبری کاریزمایی را در خود دارا بود. عدم دسترسی افراد عادی به مناصب الهی و کاریزمایی امام فاطمی موجب می‌شد تا او در هاله‌ای از قداست محصور گردد و رهبری او با تکریم و تقدس توأم باشد. با این توضیح این سؤال اساسی پیش می‌آید که ویژگی‌های امام فاطمی برای کسب موقعیت کاریزمایی چه بود؟ کدام‌یک از این صفات می‌توانست به شکل‌گیری باورهای کاریزمایی در پیروان بیانجامد؟ و به عبارتی امام فاطمی چگونه نزد شاگردان و پیروان که عمدتاً در معرض سیادت کاریزمایی قرار می‌گیرند ارزیابی می‌شد؟^۲ برای پاسخ به این سؤال می‌بایست از دو منظر یکی از دیدگاه خود ائمه فاطمی و دیگری از منظر متفکران اسماعیلی، مریدان و اتباع امام فاطمی موضوع را بررسی نمود. منابع اسماعیلی تصویری را که امامان فاطمی از خود ارائه می‌دهند به‌خوبی منعکس کرده‌اند. شاید یکی از گویاترین اسنادی که بتوان به تمامی دیدگاه امام فاطمی را نسبت به جایگاه وی دریافت، ابتدای نامه‌ای باشد که برای داعی الدعاة یمن نوشته است:

۱. الناصر لدين لقب قاضی ابو محمد حسن بن علی البازوری وزیر قاضی القضاة او بود. سیوطی، حسن المحاضرة، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲. ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۹۷.

«من باب المسلمین و امیرالمؤمنین و وارث الوارثین و سماء الطارقین و شمس الناظرین و قمر المستضیین و قبلة المصلین و امام الخائفین و قاتل ابلیس اللعین و رکن الاسلام و علم الاعلام و قلم الاقلام و يوم الايام و نور التمام...»^۱

در این دو سطر چهارده لقب برای او ذکر شده است که هر یک به تنهایی برای طرح موقعیت قدسی او کافی است. علاوه بر این ادعای اهل بیت بودن و منسوب شدن به پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) خود اعتباری است که نه تنها مشروعیت کاریزمایی را تقویت می‌کرد بلکه زمینه‌های تقدس و مقبولیت عامه را نیز فراهم می‌نمود.

دیدگاه دوم ویژه خدایان خرد و اندیشه اسماعیلی و یا داعیانی است که خود از نظریه پردازان جنبش کاریزمایی اسماعیلیه به شمار می‌آیند. این جماعت به انحاء مختلف ضمن تقویت جنبش کاریزمایی اعتقادات اسماعیلیه را به مریدان و پیروان انتقال دادند و ضمن بالا بردن و جاهت کاریزمایی و تقدس امامان به باورهای کاریزمایی شیعیان فاطمی دامن زدند. نامیدن امام فاطمی با الفاظ کاریزمایی از جمله اقداماتی بود که منزلت امام را در دید شیعیان و پیروان بالا می‌برد و به آن جایگاهی قدسی می‌داد. برای نمونه یوسف بن زبیری صنهاجی^۲ در نامه‌ای خطاب به المعز نوشت: «یا مولانا أنت و آباؤک الائمه من ولد رسول الله (ص)»^۳ و این شهادت بر پذیرش جایگاه خلیفه فاطمی به عنوان اهل بیت پیامبر و ساحت قدسی آن‌ها بود. در نامه‌های جوهر به خلیفه المعز آمده است: «هذا کتاب من جوهر الکاتب - عبد امیرالمومنین المعز لدین الله صلوات الله علیه...»^۴ و یا «جوهر عبدالفاطمی»^۵ یعنی سرسپرده و بنده ایشان و یا در جایی دیگر آمده است که قاضی القضاة مصر خلیفه را چنین خطاب نمود: «السلام علی امیرالمؤمنین الشریف القاضی الخطیب و رحمه الله و برکاته». و یا دیگر القاب کاریزمایی و الوهی و علوی دیگری که همه منابع این عصر آن‌ها را متذکر شده‌اند.

هسته‌های کاریزمایی و نقش آنان در ظهور رهبری کاریزمایی

کوشش برای اعمال نفوذ به معنی پذیرش عملی نظام حکومتی فاطمیان از جمله تلاش‌های جدی و پیگیر اندیشمندان و متفکرانی بود که تمامی مساعی مجدانه خویش را برای تبیین اندیشه‌های کاریزمایی اسماعیلی و تأسیس حکومتی مذهبی

۳. ادریسی، عیون الأخبار و فنون الآثار، ص ۴۰۱.

۱. یکی از فرماندهان المعز، و مؤسس امارت صنهاجیه در تونس، الاعلام، ج ۲، ص ۷۴.

۲. المقریزی، الخطط، ص ۱۸۹.

۳. اتعاض، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴. همان منبع، ج ۱، ص ۲۷۲.

(تثوکرسی) به کار بستند. گروه‌های قدرت از جمله داعیان فاطمی همواره به دنبال یافتن راه‌حل و طریقی کارآمد به شکل مستقیم و غیرمستقیم بودند تا همه اذهان عامه را به سمت محور اصلی جنبش اسماعیلیه یعنی امام فاطمی معطوف دارند. در این مسیر پرتلاطم و مشکل عالمان و فقها و شعرا و ادبا همگی حضور داشتند و توانستند در کسوت داعی، معلم و مرشد، قاضی و... اهداف عالی نهضت اسماعیلیه را تحقق بخشند. پس این جماعت کوشا با شش‌گونه اقدام توانستند علاوه بر تقویت و تحکیم بنیاد حکومت فاطمیان، اندیشه‌های مذهبی و کاریزمایی پیروان را تقویت بخشند. عمده این فعالیت‌ها به شرح ذیل است:

دسته نخست: مأموریتشان دعوت انفرادی و تشکیل هسته‌های متمرکز داعیان و تبیین نحوه ارتباط با عامه مردم، شناسایی فرد فرد مستجبان و شرکت دادن نوکیشان و مستجبان اسماعیلی در کانون‌های مقاومت در سراسر مناطق تحت نفوذ دعوت فاطمی بود.

دسته دوم: مأموریتشان تالیف آثار کلامی، فقهی با محوریت امام به عنوان اصول دین و پرداختن به فروع آن و طرح و معرفی امام فاطمی و اثبات امامت و حقانیت ایشان بود.

متفکران با درایت عصر فاطمی که به آموزه‌های شیعه و دانسته‌های فلسفی تسلط کامل داشتند به خوبی در تدوین آثار ارزشمند و قابل اعتنا قابلیت خود را عرضه نمودند. از میان این صاحب‌نظران قاضی نعمان، حمید الدین کرمانی، یعقوب سجستانی و مؤید الدین شیرازی از همه پرکارتر به نظر می‌آیند. اینان با ارائه تعاریفی جدی و عام فهم از امام فاطمی و تدوین نظام فقهی اسماعیلی سعی کردند با استعانت از آیات و روایات چهره‌ای مقدس و معصوم از امام فاطمی ارائه دهند. تقدس و تکریم‌هایی که در خلال آثار خود آورده‌اند بر بالا بردن منزلت امام تأثیر به‌سزایی داشت.

اثبات معصومیت امام فاطمی، واجب‌الاطاعه بودن او^۱ و ایجاد منزلت مذهبی و بالا بردن شأن او در میان پیروان، اثبات ادعاهای جهانی آن‌ها حاصل تلاش علمی، فقهی و کلامی این صاحب‌نظران بود. تحریک عواطف شیعیان فاطمی، تکریم امامان، آستان بوسی و خاکساری تا حد سجده^۲ شاید به همین دلیل باشد که برخی عاطفی‌گری شیعه اسماعیلیه را نتیجه قهری فلسفه امامت می‌دانند.^۳ نظام کلامی شیعه در مورد منصوبان من عندالله، مقدسان، اولیاء و انبیاء توصیه‌های ویژه‌ای نموده و حمایت آنان را برای رستگاری هر فرد لازم دانسته است. برای نمونه آثار قاضی نعمان مشحون از معرفی امام

۱. ببینید: مجموعه رسائل الکرمانی، صص ۱۶۹-۱۷۲.

۲. القاضی النعمان، المجالس و المسایرات، صص ۵۸-۵۹ و اخبار الدول المنقطعه، ۵۱. ناصر خسرو وجه دین، ص ۱۵۸.

2. D. M. Donaldson, The shiite religion, London, 1993.

فاطمی با همه ویژگی‌های کاریزمایی اوست و یا حمید الدین کرمانی در مجموعه آثارش تلاش می‌کند امام فاطمی را به عنوان امیرالمؤمنین امام، خلیفه و امام مفترض الطاعه^۱ معرفی نماید. وی دلایلی برای اثبات حقانیت و صداقت الحاکم خلیفه وقت بیان می‌کند که بسیار جالب است. در کتاب دیگرش به «نام الرد علی الهارونیه» او همه دغدغه خاطر خود را در پاسخ به سؤالات آورده است.

دسته سوم: مسئولیتشان اقدامات تبلیغی همچون راه‌اندازی مجالس وعظ و مناظرات علمی و کلامی و حضور در ملا عام به ویژه در مساجد جامع، مکاتب و مدارس همچون دارالحکمه بود. این حضور فعال و رودررو می‌توانست دست کم این نتیجه را حاصل نماید که مردم از نزدیک با اندیشمندان فاطمی مذهب آشنا شوند و پاسخ پرسش‌های خود را مستقیماً دریافت دارند. در این مجالس که گونه‌ای آموزش نظری و عملی به شمار می‌آمد و مستقیماً با نظارت امام فاطمی بود، مستجبان و نوکیشان فاطمی این فرصت را می‌یافتند تا از نزدیک آموزه‌های اسماعیلی را دریابند و معارف شیعیان فاطمی را شهود کنند. به همین دلیل این مجالس منقح و فراگیر در تقویت و تحکیم ویژگی‌های کاریزمایی امام فاطمی مؤثر بود.

دسته چهارم: تأسیس مدارس و مکاتب علمی همچون جامعه الازهر که با هدف تربیت داعیان و نخبگان طراز اول صورت گرفت. در فرایند تأسیس این مراکز داعیانی مبرز، آشنا به اصول دعوت تربیت شدند و توانستند ضمن تقویت علمی در تعمیق اندیشه‌های مذهبی نیز موفق باشند.

دسته پنجم: کارشان اشاعه دیدگاه‌های فلسفی اسماعیلیه بود. تلفیق وحی اسلامی و تأویل اسماعیلی گونه‌ای جهان‌شناسی اسماعیلی را در انداخت که می‌توانست در اقصی نقاط مخاطب خود را بیابد. شاید همین نوع دیدگاه بود که توانست موجبات اقبال به اسماعیلیان را در بیشتر نواحی مسکون فراهم آورد.

دسته ششم: شعرا و ادبایی بودند که با زبان شعر و ارجوزه‌های تأثیرگذار با القای ویژگی‌های قدسی امامان فاطمی و جاهت کاریزمایی ایشان را تصویر می‌نمود. پیشگام این دسته شاعر اندلسی محمد بن هانی بود. او به همراه المعز لدین الله به مصر آمده و با مدح خلیفه به زیباترین شکل ادبی به ساحت کاریزمایی او افزود. وقایع تاریخی این دوره از زبان او بسیار خواندی و زیباست.

ترکیب این اقدامات ششگانه می‌توانست چرخه‌ای از فرایند تبلیغ و دعوت به نام امام فاطمی و تقویت باورهای اسماعیلی در قالب آموزه‌های کلامی و بار دیگر تبلیغ را پدید آورد. در میان هر دور از این چرخه هسته قبلی جنبش

کاریزمایی داعیان توسعه تصاعدی و شتابنده‌ای می‌یافت. حاصل این تلاش افزایش روزافزون پیروان امامان فاطمی، و تقویت باورهای کاریزمایی حتی خارج از مصر یعنی مناطق تحت نفوذ فاطمیان بود. اعضای جدیدی که در هر مرحله به نام مستجبان به این جمع می‌پیوستند از یک سو تحت تأثیر آموزه‌های اسماعیلی برای پذیرش باورهای کاریزمایی و تحول اعتقادی مبتنی بر جانشین سازی بودند و از دیگر سو تحت تأثیر گفتمان‌ها و هنجارهای حاکم بر جماعت کاریزمایی فرایند آموزش باورهای جدید را تحمل می‌کرد. افزون بر این تأثیر این چرخه تنها بر توسعه هسته کاریزمایی نبود بلکه بر گسترش فضای کاریزمایی و شعارهای مذهبی در میان توده مصری نیز اثر خود را می‌نهاد.

اکثر منابع اسماعیلیه از امام فاطمی تصویری قدسی ارائه می‌دهند. انسانی با ویژگی‌های قدسی که خلفای اموی و عباسی آن را پاس نداشتند و با قتل و شکنجه اجداد آنان را به شهادت رساندند. بنابراین مریدان که خود رخم خورده و رنجیده از حاکمان ظلم و جور خلفا بودند در مقام دفاع از حریم اهل بیت برآمدند و آنان را بنابر آموزه‌های شیعه گرامی و مقدس می‌شماردند. حضور مصریان در دروازه‌های اسکندریه، درخواست‌های مکرر ایشان از معز چهارمین امام فاطمی، نشان‌دهنده گرایش مردم مصر به جنبش کاریزمایی امام فاطمی بود. چه این امام با ویژگی‌های کاریزمایی و خصایص مسیحیایی می‌توانست ناجی مردم مصر باشد؛ مردمی که ناآشنا به مبانی کاریزمایی نبودند. بی‌شک تبلیغات داعیان و تلاش‌های پی‌درپی آنان در میان مردم مصر که خود بارها در طول تاریخ از فراعنه گرفته تا دوره‌های اسلامی با آموزه‌های کاریزمایی آشنایی داشتند می‌توانست زودتر به ثمر رسد. این فرض با پا گرفتن گرایش‌های اسماعیلیه در کانون‌های تمدنی یمن و ایران با همان آموزه‌های مشابه قوت بیشتری می‌یابد.

ادبیات مذهبی اسماعیلیه اعم از مکتوبات کلامی و غیر کلامی، نامه‌ها و رسایل مملو از اسطوره‌های کاریزمایی است که در رأس آن‌ها علی (ع) به عنوان وصی، خلیفه و امام، نماد اساسی عدالت و شجاعت، ساده‌زیستی و بی‌اعتنایی به دنیا قرار دارد. تکمیل‌کننده اسطوره علی (ع) در فرهنگ شیعه، مهدویت است که نفی‌کننده حاکمیت ظالمان، مجری عدالت و پرکننده زمین از عدل و احیاء‌کننده اسلام حقیقی، آغازگر عصر گسست و پیوست بی‌بدیل عدالت، است. او معیار رفتار عدالت‌جویانه و مساوات‌طلبانه و اصلاح‌گرایانه جامعه به‌شمار می‌آید. کسی که کژی‌های اجتماعی را راست و دشمنان و ظالمان را ذلیل و خوار، بی‌ثباتی‌های اجتماعی را متعادل می‌کند. عصر مهدی عصر ثبات، پایان تاریخ، آخرالزمان بود و این همه خود دست مایه غنی برای ادبیات مذهبی اسماعیلیه و ادعاهای ائمه فاطمی بود.

پیوند ائمه فاطمی به انبیاء و اولیاء الهی^۱ آموزه‌های اعتقادی شیعه اسماعیلیه با جمع هر دو نماد شیعه یعنی علی (ع) و مهدی، تصویر مقدسی از امام فاطمی نزد مریدان و پیروان ارائه نمود. رهیافت و راهبردهای نخبگان دینی و سیاسی برای تبیین عصر مهدی در ایجاد مشروعیت فاطمیان مهم بود.

جانشینی و ولایت عهدی

چگونگی تعیین جانشین و انتخاب ولایت‌عهد و عوامل مؤثر در تعیین آن در دوره‌های مختلف اسلامی به‌ویژه عصر اموی و عباسی از بحث‌انگیزترین، سیاسی‌ترین موضوعات تاریخی است. ساختار سیاسی و مذهبی خلافت فاطمیان و محوریت امام فاطمی در نظام حکومتی شیعه اسماعیلیه تفاوت‌های اساسی را با سایر حکومت‌های معاصر آنان ایجاد نمود. از آن‌جا که امام فاطمی دارای اقتدار کاریزمایی و سلطه دینی بود بی‌شک انتخاب جانشینی او نیز از درجه اعتبار بالایی برخوردار بود. طبق آموزه‌های اسماعیلیه هرگز زمین خالی از امام نیست و واجب است که امام فاطمی در همه زمان‌ها وجود داشته باشد.^۲ جانشینی امامان فاطمی در اختیار موضوع نص و تعیین شخصی هر امام از سوی امام پیشین بود.^۳ به همین دلیل جانشینان امام خود را «ولی عهد مسلمین و ابن امیر المؤمنین» خطاب می‌کردند.^۴ همین ویژگی نصب عنوان امتیازی الهی، کشاکش جانشینی را از میان می‌برد و حق انتخاب را به گونه‌ای از مردم گرفته به آن جایگاه و جلوه‌ای الهی می‌داد. زیرا انتخاب امام از سوی خداوند بود و او جلوه‌ی اراده تمام الهی به‌شمار می‌آمد. به دلیل عدم مشارکت مردم در امر انتخاب مسأله جانشینی می‌توانست از مردم پنهان بماند و هرگاه لازم باشد نزد عامه مردم نمایان شود.^۵ جانشینی امامان فاطمی تا زمان المستنصر بالله به‌طور مرتب ادامه داشت. در عصر وی کشمکش‌هایی بر سر موضوع جانشینی پدید آمد که در واپسین سال‌های خلافت وی تشدید شد. از این پس بحران جانشینی خلفا و ستیزه قدرت وزراء دلیل پیدایش فرقه جدید نزاری شد و پیروان این فرقه تشکیلات جدیدی را خارج از مرکزیت مصر در ایران به نام دعوت جدید راه‌اندازی کردند.

۱. دیوان المؤید فی الدین، صص ۲۸۶-۲۸۷.

۲. سجستانی، الافتخار، ص ۷۰.

۳. ببینید: مجموعه الوثائق الفاطمیة و وثائق الخلافة و ولایة العهد و الوزارة، جمعها و حقیقها و أعضاها للنشر مع دراسات تحليلية مقارنة جمال الدین الشیال، مكتبة الثقافة الدینیة، ۲۰۰۲.

۴. ابن مسیر، اخبار مصر، ص ۴۷.

۵. ابن الطویر، نزعة المقاتلین، ص ۳۷.

این تشکیلات که در اختیار حسن صباح قرار گرفت. بر اساس ثبات وصایت و روند مشخص جانشینی در دوره اول خلافت فاطمیان برخلاف جریان ولایت‌عهدی خلفای عباسی بود. بی‌ثباتی جانشینی و ولایت‌عهدی دربار خلافت بغداد بدون داشتن برنامه و روندی مشخص از همان آغاز بحران مشروعیت جانشینی را در حکومت عباسیان فراهم آورده بود. ملاحظات سیاسی، فشارهای قومی و نظامی و بعدها دسایس درباری، آسیب‌های سیاسی را به دستگاه خلافت عباسی وارد نمود.^۱ گاه جانشینی از پدر به پسر و گاه از برادر به برادر و یا از عمو به برادرزاده می‌رسید و همین موضوع موجب شد تا خلفای عباسی نتوانند از توجیحات شرعی برای مسند ولایت‌عهدی استفاده کامل را ببرند. برعکس موضوع نصّ و انتخاب بزرگ‌ترین فرزند ذکور امام - خلیفه فاطمی می‌توانست به تحکیم عواطف دینی، افزایش شکوه مسند خلافت و تکریم منصب امامت بیانجامد. براساس تئوری وبر با مرگ رهبر کارزمایی مسأله جانشینی نه با انتخاب بلکه با گزینش برحسب فرهمندی انجام می‌گیرد. از طریق وراثت خویشاوندی یا وراثت حکومت روحانی می‌توانست این فرهمندی انتقال یابد. توصیه‌های امام پیرامون وصی بر میزان اعتبار جانشین وی می‌افزود. چنان‌که آورده‌اند، القائم بامرالله هنگام مرگ محبت خود را به المعز فرزند و وصی‌اش ابراز می‌دارد و قاضی نعمان این محبت و ابراز علاقه را به علاقه و محبت پیامبر نسبت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تشبیه می‌کند و می‌نویسد فعل القائم همچون عمل پیامبر بود.^۲ همین نحوه برخورد بر گرد امام فاطمی و جانشین منصوب او هاله‌ای قدسی می‌کشید.

نتیجه

از بررسی‌های به عمل آمده می‌توان نتایج زیر را تحصیل نمود:

۱. بنیاد نظام سیاسی تئوکراسی شیعه اسماعیلیه بر اصل اساسی امامت استوار بود و امام به عنوان جانشین پیامبر (ص) و به عنوان محور اصلی دین، رسالت بزرگ هدایت جامعه و امت اسلامی را برعهده دارد. همه اقتدار و مرجعیت دولت برای اداره جامعه مسلمین اعم از مادی و معنوی از او که جانشین خدا بر روی زمین بود، نشأت می‌گرفت. در عقیده و باور اسماعیلیان امام از یک سو معلم دین، آگاه به رموز قرآن و از دیگر سو حاکم عادل منصوب الهی است. به همین دلیل امام نخستین و مهم‌ترین رکن دین به‌شمار می‌آمد.

۱. برای اطلاع بیشتر ببینید: حاتم قادری، تحول مبانی مشروعیت از آغاز تا فروپاشی عباسیان، صص ۱۴۷-۱۵۵.

۲. المجالس و المسایرات، ص ۹۴-۹۵.

۲. مشروعیت امام فاطمی ناشی از وجاهت کاریزمایی او بود. در دوره نخست خلافت فاطمیان مصر امام - خلیفه فاطمی به عنوان امام محق، عقل کلی، مرجع و پیشوای مذهبی راهبری دنیوی و تفوق روحانی دینی را برعهده داشت. بنابر اعتقاد اسماعیلیان فاطمی وی به اراده الهی و فرمان ازلی به امامت منصوب و فرمان او مطاع و واجب بود.
۳. طبق اصول اعتقادی اسماعیلی امام منصوب الهی است و تنها جانشین مشروع پیامبر اکرم (ص) و رئیس عالی شرع در اداره امور مسلمین محسوب می شود.
۴. امام اسماعیلی مدعی نص و نصب الهی بوده و به عنوان وصی امام پیش از خود دارای مرجعیت مشروع دینی و سیاسی بود و می توانست بر همه ارکان حکومتی سیطره داشته باشد. بدین ترتیب نخستین و مهم ترین اصل مشروعیت امام فاطمی، اصل نص بود که به مفهوم بنیادی امامت در فرهنگ شیعه اسماعیلی مشروعیت و مرجعیت تام می بخشید. چه امام در مسند حکومت باشد و چه نباشد، او دارای اقتدار تام بود.
۵. از آن جا که شخصیت کاریزما شخصیتی منحصر به فرد، خارق العاده، واجد شرایط رسالت است. از این رو داعیان و فقهای طراز اول فاطمی با برانگیختن عواطف پیرامون اساس ارادت آنان را نسبت به امام فاطمی فراهم آورده، کنش های عاطفی آنان را دامن می زدند.
۶. طبق آموزه های اسماعیلی تجسم رهبری کاریزمایی امامان فاطمی مبتنی بر بازگشت به گذشته ای آرمانی، قرار داشت و پیروان ائمه فاطمی ضمن کشیدن هاله ای قدسی بر گرد امام کاریزمایی ارتباط مستمر و تنگاتنگی را از طریق مناسک و آداب مذهبی برقرار نموده و بدین وسیله او را در زندگی روزمره خود حاضر و ناظری دیدند.
۷. پذیرش امام فاطمی به عنوان نمونه ی برجسته کمال مطلق بشری و الگوی عالی رتبه انسانی و ایده آل فوق بشری می توانست قوی ترین رابطه عاطفه و کاریزمایی را میان شیعیان و امام پدید آورد.
۸. در مورد نوع نفوذ و سلطه خلافت فاطمیان می توان ادعا نمود، مهم ترین نمود قدرت اجتماعی آنان همان نفوذ کاریزمایی امامان فاطمی بوده است که توسط گروه های مسلط دینی ذی نفوذ مستقر در دستگاه اداری تبلیغ و منتشر می شد.
۹. موضوع نص و تعیین جانشینی الهی، فاطمیان را از بحران مشروعیت رهانید.
۱۰. نشانه ها و القاب کاریزمایی امامان فاطمی می توانست بر تقویت بنیاد باور کاریزمایی پیروان افزوده، به عنوان عاملی مهم در تحکیم مشروعیت امامان کارساز باشد.
۱۱. فقهای اسماعیلی در تبیین اندیشه های فاطمی و تقویت مشروعیت آنان و بالا بردن مقام و منزلت امام فاطمی و حتی آموزش آداب مواجهه و رویارویی با امام نقش مهمی ایفا نمودند.

۱۲. همین رابطه‌ی مستحکم و معنادار امام و اتباع که ناشی از وجاهت کاریزمایی امامان فاطمی بود، سایر خلفا و رقبای هم‌عرض چون عباسیان و امویان اندلس را از فاطمیان جدا نمود.
۱۳. با بروز بی‌کفایتی بزرگترین رقیب فاطمیان یعنی خلفای عباسی در تامین امنیت و حفظ حرمین شریفین مکه و مدینه از تهاجم بدویان و قرمطیان موجب شد بر اقتدار فاطمیان افزوده شود. این اقتدار زمانی فزونی یافت که فاطمیان حجرالاسود مقدس ربوده شده را به مکه بازگرداندند.
۱۴. موفقیت مشروعیت امام فاطمی و تثبیت موقعیت او وابسته به بسیج موفقیت‌آمیز شیعیان و اتباع او بود.
۱۵. در بررسی‌های به عمل آمده می‌توان نتیجه گرفت که مشروعیت خلفای فاطمی متأثر از شعارهای آرمانی آنان بود. چنان‌که این شعارهای آرمانی، مساوات جویانه و عامه‌پسند در مشروعیت‌یابی فاطمیان مؤثر بود.
۱۶. داعیان و اندیشمندان اسماعیلی در تثبیت مشروعیت فاطمیان نقش مهمی ایفا نمودند آثار و نوشته‌های آنان برای تثبیت ارکان فکری نظام فاطمی بسیار مهم و تعیین‌کننده بود.
- با این توضیح مشروعیت امام فاطمی ناشی از سرسپردگی پیروان او نسبت به قدرت‌های خارق‌العاده امام فاطمی است. منشأ باور پیروان امام فاطمی در اثبات فرهنگ‌مندی مرهون تبلیغات داعیان اسماعیلیه بود.

منابع

- بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای سیاسی در زندگی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، مترجمین عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولی، ۱۳۷۴.
- کوزر، لویس؛ روزنبرگ، برنارد، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- قادری، حاتم، تحول مبانی مشروعیت خلافت از آغاز تا فروپاشی عباسیان، تهران، بنیان، ۱۳۷۵.
- المارودی، ابو الحسن علی بن محمد، الأحكام السلطا، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابو علی محمد ابن الفراء، الاحکام السلطانیة، قاهره، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ هـ. ق.، الطبعة الثانية.
- الغزالی، ابو حامد محمد، الاقتصاد فی الاعتقاد، مصر شركة مکتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- طوسی، نصیرالدین، کشف المراد (شرح تجرید الاعتقاد) شرح از علامه حلی، ترجمه شیخ ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۶، ج چهارم.
- کرمانی، احمد حمید الدین، المصاییح فی اثبات الأمامة، تقدیم و تحقیق مصطفی غالب، بیروت، منشورات حمد، بی‌تا.

- سجستاني، ابويعقوب، الافتخار، تحقيق مصطفى غالب، بي جا، دارالاندلس، ١٩٨٠.
- عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، بيروت، دارالفكر، بي تا.
- طوسي، شيخ الطائفة ابى جعفر محمد بن حسن، تلخيص الشافى، قدم له و علق عليه السيد حسين بحر العلوم، قم، الجزء الاول.
- على بن محمد بن الوليد، تاريخ العقائد و معدن الفوائد، تحقيق عارف تامر، بيروت، دارالمشرق، بي تا.
- طبرسى، ابو على الفضل بن الحسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات الاسلاميه، ١٣٥٩، هـ.ق. ج ٣.
- طوسي، شيخ الطائفة ابى جعفر، تفسير التبيان، تحقيق و تصحيح احمد حبيب قصير العاملى، نجف مكتبه الامين، بي تا، المجلد الثالث.
- طباطبائى، سيد محمد حسين، تفسير الميزان، ترجمه سيد محمد باقر موسى همدانى، قم، انتشارات دارالعلم، ١٢٤٣، ج ١١.
- القاضى النعمان بن محمد، المجالس و المسائير، تحقيق الحبيب الفقى و...، تونس، مطبعة الرسمية للجمهورية التونسية، ١٩٨٧.
- القاضى النعمان، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار، بيروت، منشورات دارالثقلين، ١٩٩٤.
- القاضى النعمان، كتاب المهمة فى آداب اتباع الائمة، تحقيق محمد شريف على اليمينى الحرازى، بيروت، دارالاضواء، ١٩٩٦.
- القاضى النعمان، المناقب و المثالب، تحقيق ماجد بن احمد العطيعة، بيروت، منشورات الاعلمى، ٢٠٠٢.
- القرشى، ادريس عماد الدين، عيون الاخبار و فنون الآثار، تحقيق و تقديم مصطفى غالب، بيروت، دارالاندلس، بي تا.
- السيد الصاوى، احمد، مجاعات مصر الفاطمية اسباب و نتائج، بيروت، دارالتضامن للطباعة، ١٩٨٨.
- جامع التواريخ السلطانية قسمت خلفا مملوكيه مغرب و مصر نزاريان و رفيقان از تاريخ حافظ ابرو، به اهتمام محمد مدرسى زنجانى، تهران، اطلاعات، ١٣٦٤.
- المقريزى، تقى الدين احمد بن على، اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، تحقيق محمد حلمى محمد احمد، القاهرة، المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، ١٩٧١، ج ٣.
- السبحى، محمد بن عبيدالله، اخبار مصر فى سنتين ٤١٤-٤١٥ هـ تحقيق وليم. ج. ميلورد، مصر، الهيئه المصرية العامة للكتاب، ١٩٨٠.
- متز، آدم، تمدن اسلامى در قرن چهارم هجرى، ترجمه عليرضا ذكاوتى قراگوزلو، تهران، امير كبير، ١٣٦٤، ج ٢.

محمد بن علی بن یوسف المعروف به ابن میسر، اخبار مصر، عنی بتصحيحه هنرى ماسيه، القاهرة، مطبعة المعهد الفرنسى، ۱۹۱۹.

احمد بن هادى بن حمدان، كتاب الاصلاح، به اهتمام حسن مینوچهر و مهدى محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

ديوان المؤيد فى الدين، تحقيق محمد حسين كامل، بيروت، دار المنتظر، ۱۹۹۶.

أربعة كتب اسماعيليه منقول عن نسخه الخطيه هـ ۷۵ المحفوظه فى مكتبة امبروسيانه ميلانو، عنى بتصحيحها ر. شترطمان، بيروت، موسسه النور للمطبوعات، ۲۰۰۲.

رازى، ابو حاتم احمد بن حمدان، كتاب الاصلاح، به اهتمام حسن مینوچهر و مهدى محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

ابو محمد مرتضى عبدالسلام بن الحسن القيسرانى معروف بابن الطوير، نزهة المقتلين فى اخبار الدولتين، حققه و قدم له أيمن فواد سيد، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۲.

القاضى النعمان، دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام، تحقيق آصف بن على اصغر فيضى، القاهرة، دارالمعارف، ۱۳۸۳ هـ، ج ۱.

جمال الدين ابن مطهر حلى، ألفين فى امامة امير المؤمنين على بن ابى طالب (ع)، قدم له الموسوى الخراسانى، نجف، منشورات مكتبة الخيدرية، ۱۳۸۸ هجرى، ۱۹۶۹ م.

المؤيد فى الدين، المجالس المؤيدية، حقق و علق عليه محمد عبدالغفار، القاهرة، مكتبه مدبولى، ۱۹۹۴.

كرمانى، راحة العقل، تحقيق مصطفى غالب، بيروت، ۱۹۶۷.

هالم، هاينتس، فاطميان و سنتهاى تعليمى و علمى آنان، ترجمه فريدون بدرهائى، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۷۷.

تاريخ اسلام پژوهش دانشگاه كمبريج، زير نظر پى. ام هولت و آن. ك. س. لمتون، ترجمه احمد آرام، تهران، اميركبير، ۱۳۷۸، ص ۲۵۵.

آرنت، هانا، خشونت، ترجمه فولادوند، تهران، خوارزمى، ۱۳۵۹، ص ۵۷.

جمال الدين على بن ظافر، اخبار الدول المنقطعة، دراسه تحليلية القسم الخاص بالفاطميين مع مقدمه و تعقيب أندريه فريه، القاهرة، مطبوعات المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقية، بى تا، ۵۱.

الاندلسى، محمد بن هانى، ديوان، تحقيق محمد اليعلاوى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ۱۹۹۴، ص ۷۳.

ماجد، عبدالمنعم، نظم الفاطميين و رسومهم فى مصر، القاهرة، مكتبه الانجلو المصرية، ۱۹۸۵.

لمتون، آن. کی. اس، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج.

واکر، پل. ای، ابو یعقوب سجستانی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۷۷.
قبادیانی، ناصر خسرو، وجه دین، به تصحیح و تحشیه و مقدمه غلامرضا اعوانی، مقدمه انگلیسی سید حسین نصر، تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران، ۱۳۹۷ هـ.

قلقشندی، مآثر الانافه فی معالم الخلافة، تحقیق عبدالستار احمد فراج، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، ج ۱.
مجموعه الوثائق الفاطمیه و وثائق الخلافة و ولایه العهد و الوزارة، جمعها و حققها و أعضدها للنشر مع دراسات تحليلية مقارنة جمال الدین الشیال، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۲۰۰۲.
ابن عذارى المراكشى، البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق و مراجعه، ج. س. کولان و أ. لینی بروفنسال، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۹۸، جزء الاول، ص ۱۵۲.

Donaldson, D. M., The Shiite religion, London, 1993.

Marshall, G. S., Hodgson, Djafar al-Sadik, EI₂, V1, pp 374-375.

Cf Martin, Spencer, E., Weber on legitimacy norms and authority, British Journal of Sociology, 1970, Vol. 21, pp123-134.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی